

یادداشت

به بهانه انتشار شماره ۱۰۰۰ «شهرنگ» برای سرکردن زمستان

[ادامه از صفحه اول] اتفاق بد اینجاست که این رواج عجیب و غریب گوش‌های هوشمند و رشد بیمارگونه شبکه‌ها مجازی، سطح سلیقه عمومی را پایین آورده، گروه‌هایی از آنها را به موجودات لابلای تبدیل کرده، به خصوص جوان‌ها را- نه همه‌شان را بلکه بعضی از ایشان را- از صرافت وطن دوستی و مواسات و تلاش و کار انداخته و آنها را از پیشینه فرهنگی و ادبی شان بیگانه کرده. و... قصه آن کثاس در بازار عطاران را به خاطر دارید؟ کثاس چنان به عنف خورده بود که نه تنها رایحه عطر را خوش نمی‌داشت بلکه از آن به اغما می‌رفت. ما نیز اگر مدام یاوه بشنویم و چرت و پرت بیبینیم و به لودگی خوکنیم، نه تنها از شنیدن سعدی که هر می‌نیم بلکه با خواندن نسیم شمال هم به تهوع می‌افتیم. برای همین است که روشن نگه داشتن شمع طنز مسئولانه و مودبانه در روزنامه اهمیتی مضاعف می‌یابد. تعارف نباید کرد. من خود دستی بر آتش طنز و مطبوعات دارم و به نیكویی واقفم که هم بازار روزنامه بی‌وقف است و هم متاع طنز کاسد. مردم مدام سریشان توی گوش می‌موایل است و شب‌ها پای ماهواره می‌نشینند، وقت و حوصله‌ای برای روزنامه‌ومجله ندارند. آن مطلب و تیتیری هم که فراگیر می‌شود، دلیلی این است که تبدیل به سوزه موبایل می‌شود و به فضای مجازی راه می‌یابد. دور، فعلا پاکسی است که تلخ بگوید و فحش بدهد و پرده‌دری کند و هر چه به ذهنش برسد بگوید، مسئولیت هم نپذیرد. روزنامه‌امادقیقاجایی است که نمی‌شود و نباید هر حرفی رازد، هر کاری را کرد و به هر موضوعی وارد شد. روزنامه‌ها نمی‌توانند و از من می‌شنوید نباید وارد مسابقه با دنیای مجازی شوند و سودای رقابت با آنها به سرشان بزند. درجایی که مردم دارند فحش سرشان سیاسی می‌شوند، روزنامه‌نگار چطور می‌تواند حرف مکتومش را- اگرچه حق است و خیرخواهانه- بیان کند؟ یک طرف بی‌مسئولیت است، بدخواه است، جز به خودش به دیگری نمی‌گرددش، دیگری اما درد وطن دارد، به فکر مردم است، متعهد و مسئول است. به تعبیر قزاق «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟» مع الوصف؟ چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند. از اتفاق برای آن روزگاری که چنین نماند، باید خود را حفظ کرد و این سنت روزنامه‌نویسی را ادامه داد. نمی‌گویم بر رفتارهای تاریخ مصرف گذشته‌مان اصرار ورزیم و کماکان عین ۴۰ سال پیش بنویسیم و روزنامه درآوریم و... نه. اما می‌گویم، مصرانه هم می‌گویم که باید چراغ روزنامه‌ها را روشن نگه داشت، عهدهای قدیمی را تجدید کرد. باید حرف‌های به ظاهر کهنه را نو کرد و آداب درست‌نویسی و درست سخن گفتن و مسئولانه برخورد کردن و مواسات و همدلی و وطن دوستی را آموزش داد. «باد تند است و چراغم ابری / زو بگیرانم چراغ دیگری».

سه. روزنامه‌ها غیر از وظایف متعارف‌شان وظیفه مهم دیگری نیز بر دوش دارند که آن کشف و جذب استعدادهای جوان و کارآمد است. شهرنگ را از این بابت باید تحسین کرد که فرصتی در اختیار جوانان گذاشته تا خودی نشان دهند و استعدادشان را به منصف ظهور برسانند. امیدوارم این فرصت فراخ‌تر شود و تنگ‌تر نه.

چهار. طنز، کار اصلی نقد ملایم و کم‌هزینه قدرت است. از این روز طنزپردازان دلبری می‌کنند که با ارباب قدرت درمی‌افتند. اما علاوه بر این کار مهم از توابع کارشان، تلطیف روحیه و اصلاح مناسبات جامعه است. طنزپردازان بخوانند یا نخوانند خاطر خاطر مردم را خوش می‌کنند، گره از ابروهای درهم می‌گشایند و بر لب‌زن‌ومرد خنده می‌نشانند. از این روحضورتان در روزگار سخت ضروری‌تر و واجب‌تر است. نباید عرصه را بر طنزآزان تنگ کرد بلکه اتفاقاً باید شرایطی فراهم آورد تا آنها با شوخی و خنده، میزان عصیانیت‌ها و پرخاشگری‌ها را از هر طرفی که باشد، کم کنند و مدارا و مهرسانی را مستقیم و غیرمستقیم به‌صغیر و کبیر آموزش بدهند. هر کسی برای عبور از زمستان به گرمخانه‌ای پناه می‌برد، من بنابر تجربه شخصی و اطلاعات تاریخی‌ام توصیه می‌کنم که به گرمخانه طنز و طبیعت پناه ببریم تا به بهترین وجه دوران سخت و سرد سپری شود که می‌شود. حالا که تحریم‌ها و کینه‌توزی‌های دشمنان این سرزمین بیش از گذشته خودنمایی می‌کنند، ما نیز به حکم عقل باید که به طنزپردازان میدان بدهیم تا علاوه بر انتقادهای لیسوئانه و مسئولانه، دل مردم را شادکنند. نادمان شاد شود. □

به دلیل بدهی یک و نیم میلیاردی شهرداری منطقه ۶ به پیمانکار اقامتگاه

همراه‌سرای بیماران جواد الائمه (ع) تعطیل شد

☞ مدیر همراه‌سرا: به صاحب ملک بدهکاریم، دیگر توانایی پرداخت اجاره نداریم
☞ شهردار منطقه ۶ تهران: موضوعاتی که مطرح می‌شود مربوط به بدهکاری‌های دوسال پیش است. می‌خواهیم همراه‌سرای جدیدی راه‌اندازی کنیم و این مرکز را به صاحبش برگردانیم



شهروند □

و حالا هم مسافران و هم مددکاران در تلاش برای پیدا کردن محل اقامت‌اند. اما کجا؟ «بیساری از افراد که برای درمان می‌آیند، بیمارشان درآی‌سی‌یو بستری می‌شود، خودشان به‌عنوان همراه، شب کج‌بروند؟» به دلیل قوانینی که در بیمارستان وجود دارد و سرقت‌هایی که قبلاً از خود این افراد می‌شد، مدیریت بیمارستان اجازه نمی‌دهد آنها در محوطه بیمارستان یا در نزدیکی بیمارستان بمانند. این افراد می‌گویند که چهار پنج ماه است بدون حقوق مغشول به کار است؛ «در این مدت شهرداری تنها ۵۰ میلیون تومان به ما داده. از جزئیات باخبر است، تا همین الان سه ماشین فروخیم تا بتوانیم هزینه این‌جا را بدهیم.» استثم‌شهادنامه مسافران و همراهان رانشان می‌دهد که گواهی کرده‌اند تا نوزدهم بهمن، اسکان‌شان در این مرکز رایگان بوده است؛ «چند نفر از مسافران خودشان به شهرداری مراجعه کرده‌اند تا مشکل حل شود، اما فایده‌ای نداشتند.»

مدیریت این مرکز، از روز چهارشنبه هفته گذشته به‌مسافران اعلام کرده که دیگر نمانند، اما هر کس مانده بود، را پذیرش کرده. حالا ما می‌گوییم تا دو روز دیگر باید ساختمان خالی شود. هر کس وسایلی دارد جمع کنند. «آخرین قراردادی که با شهرداری منطقه ۶ داشتیم مربوط به مردادسال ۹۷ بود و تا مرداد ۹۸ ادامه داشت، بعداً سه ماه به قراردادمان اضافه کردند، اما سیزدهم بهمن قرارداد تمام شد و یک هفته بیشتر است که بدون قرارداد مشغول کاریم.»

مکان دیگری برای اسکان در نظر می‌گیریم
تورج فرهادی، مهر امسال شهردار منطقه ۶ تهران شد. او در پاسخ به «شهروند» می‌گوید: «این خبر درست نیست، ما در مدتی که در شهرداری بودیم، هر ماه، ۵۰ میلیون تومان به این مرکز پرداخت کردیم. موضوعاتی که مطرح می‌شود مربوط به بدهکاری‌های دوسال پیش است. این‌جا انباشت بدهی دارند و نمی‌شود همه آنها را یکجا پرداخت کرد.» او درباره بلاتکلیفی مسافران می‌گوید: «همراه‌سرای این افراد را برین‌نمی‌کنند، این حرف‌ها را می‌زنند تا مطالبات‌شان را بگیرند. فرهادی حالا از راه‌اندازی همراه‌سرای دیگری در همان منطقه خبر می‌دهد: «ما می‌خواهیم همراه‌سرای جدیدی راه‌اندازی کنیم و این مرکز را به صاحبش برگردانیم.» □

گزارش

اختلاف نظر اعضای شورا برای نام‌گذاری‌های جدید معابر خیابان اردلان، «مرتضی ممیز» شد

[شهروند] جلسه روز گذشته شورای شهر تهران شاهد درگیری لفظی بهاره آروین و حجت نظری بود. این درگیری در پی نام‌گذاری خیابان‌های پایتخت رخ داد. در ابتدای این مجادله، بهاره آروین، منشی شورای شهر گفت بهتر است به صورت یکپارچه پس از آنکه موارد مختلف تغییر نام بررسی شد، رأی‌گیری شود. اما حجت نظری در پاسخ عنوان کرد: «این روش درست نیست و باید یک به یک درباره همه پیشنهادها نظر اعضا را جویا شد.» آروین در پاسخ گفت چرا شما با هر چیزی که من می‌گویم، مخالفت می‌کنید و نظری در پاسخ گفت چرا تذکری ساده هم از طرف هیأت رئیسه شنیده نمی‌شود؟ آیا شان هیأت رئیسه اجل از آن است که تذکریدیم؟

به گزارش خبرنگار آیین بعد از این گفت‌وگو، مجادله بالا گرفت و در میان سکوت سایر اعضای شورای شهر، دو عضو شورا شدیداً با همدیگر برخورد کلامی داشتند. پس از آن، بهاره آروین از جا برخاست و گفت: «من استعفا می‌دهم!» و قصد خروج از شورا را داشت که شهربانو امانی و زهرا نژادبهرام مانع از خروج او شدند. سرانجام پس از تلاش اعضای شورا برای کاهش تنش در صحن آنها به تغییر نام خیابان اردلان به مرتضی ممیز، کوچی رفت به شهید اسماعیل حیدری، کوچی هفتم به شهید میرزایی، استخر ویژه بانوان به اسدیگی و همچنین نام‌گذاری سالن چندمنظوره فوتسال به نام فرشته کریمی و نام‌گذاری یک سالن دیگر به نام حشمت‌الله که کن دل‌رای مثبت دادند.

از جمله طرح‌هایی که روز گذشته در صحن شورا به تصویب رسید. «الزام شهرداری تهران به ارائه لایحه دستورالعمل طراحی توده براساس پاکت جمعی» بود. طرحی که براساس آن قرار است کیفیت طراحی ساختمان‌ها در شهر افزایش یابد. علی‌اعضا، سخنگوی شورا که این طرح را در شورا مطرح کرد، درباره جزئیات آن گفت: «این موضوع اهمیت دارد که ۶ درصد از سطح زمینی که می‌توان ساخت را با چه طراحی و شکل و شمابلی بسازیم تا فضاهای بهتری در اختیار شهروندان قرار گیرد.» به گفته اعلا این طرح شامل یک ماده واحده و ۴ تبصره است و پیش‌بینی‌های لازم قانونی برای جلوگیری از تخلفات احتمالی انجام شده است: «برای این موضوع و جلوگیری از تخلف هم پیشنهاد شد ماده واحده‌ای در نظر گرفته شود تا شهرداری موظف به نظارت و پایش بیشتر ساختمان‌های در حال ساخت باشد.» □

خبر

مدیرعامل سازمان انتقال خون:

جمع‌آوری پلاسما از دستور کار سازمان انتقال خون خارج شد

[شهروند] مدیرعامل سازمان انتقال خون ایران می‌گوید جمع‌آوری پلاسما به روش پلاسما فریزس از دستور کار سازمان انتقال خون خارج شده است. پیمان عشقی در این باره گفت: «این اقدام را از بنای کردیم و دیدیم به دلایلی مانند نیرو، تجهیزات و مباحثی مانند مسائل فرهنگی و تمایل مردم به اهدای خون، انجام این کار توجیه ندارد.» او ادامه داد: «اینکه سیاست سازمان انتقال خون بعد از چندسال تجربه تغییر کند، موضوع عجیبی نیست؛ چرا که یک سیستم زنده براساس تجربیات و نتایج، شرایط را تغییر می‌دهد. این تصمیم مهم به دلیل نتایج اقداماتی بود که طی سال‌های گذشته انجام شده بود. باید توجه کرد که برای گرفتن پلاسما دوا راه وجود دارد؛ یک راه این است که وقتی فردی خون اهدا می‌کند از خون اهدایی او گلوبول قرمز، پلاکت و پلاسما جدا شده که این نوع پلاسماگیری را پلاسما بازیافتی می‌گوئیم. این پلاسما فریز شده و نگهداری می‌شود. بخشی از آن در اختیار بیماران نیازمند قرار می‌گیرد و بخش اضافه آن برای تولید داروهای مشتق از پلاسما به کمپانی‌های تولید داروهای پلاسما ارسال می‌شود. عشقی گفت: «حال باید توجه کرد که یکی از پیشرفت‌های سازمان انتقال خون این است که پلاسما با کیفیت در اختیار کمپانی‌های تولیدکننده داروهای مشتق از پلاسما قرار می‌دهد. به‌طوری‌که سازمان بهداشت جهانی، ایران بریزیل را به عنوان الگوهای جمع‌آوری و ارسال پلاسما در دنیا معرفی کرده است. بنابراین ما آن قدر طبق استاندارد و با کیفیت پلاسما را جمع‌آوری می‌کنیم که می‌توان از آنها به‌عنوان مواد اولیه تولید پلاسما استفاده کرد.» □